

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست.....
۲.....	فهم سیاست خارجی ایران.....
۵.....	انقلاب اسلامی ایران و آینده آن.....
۸.....	سیاست خارجی ایران همراهی ایدئولوژی و عمل‌گرایی.....
۱۰.....	روابط بین‌المللی ایران: عمل‌گرایی در عین انقلابی‌گری.....
۱۲.....	انقلاب ایران در ۳۰ سالگی: همچنان غیرقابل پیش‌بینی.....
۱۴.....	عامل ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران.....
۱۶.....	لفاظی تاکتیکی سیاست خارجی ایران.....
۱۸.....	اتحادیه اروپا و ایران.....
۲۰.....	ایران و فرانسه: رؤیاهای بربادرفته.....
۲۲.....	طیف تصورات مختلف از برنامه هسته‌ای ایران.....
۲۴.....	فرصت‌ها و چالش‌های صنعت نفت و گاز ایران.....
۲۷.....	سیاست خارجی ایران و خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند.....
۲۹.....	ایران و عربستان سعودی: رقابت بی‌پایان.....
۳۱.....	ایران و شورای همکاری خلیج (فارس).....
۳۳.....	فراز و فرود در روابط ایران و ترکیه.....
۳۵.....	روابط شیعی ایرانی - لبنانی.....
۳۷.....	اتحاد ایرانی - سوری.....
۴۰.....	عامل کردی در روابط ایران و عراق.....
۴۲.....	زنان و ۳۰ سال جمهوری اسلامی.....
۴۴.....	سیاست شیعه در ایران پس از ۳۰ سال انقلاب.....

ماهنامه کاوش (۲۳)

ویژه‌نامه سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی

«رویکرد غرب به ایران»

**ماهنامه کاوش (۲۳)****ویژه‌نامه سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی****«رویکرد غرب به ایران»****سخن نخست**

انقلاب اسلامی بدون تردید مهم‌ترین واقعه انقلابی در قرن بیستم است که تحولات عمیق داخلی و نیز منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال داشته است. تداوم ۳۰ ساله انقلاب اسلامی یکی از مسائلی است که تحلیلگران غربی به‌ندرت آن را پیش‌بینی می‌کردند. با این حال هنوز آثار و پیامدها و نتایج انقلاب اسلامی ایران در منطقه مشهود بوده و بیش از قبل نمایان شده است که این امر سبب شده که تحلیلگران سیاسی در مورد ابعاد مختلف انقلاب اسلامی ایران قلم فرسایی کنند. در این راستا «مؤسسه خاورمیانه» با استفاده از نظرات پژوهشگران مسائل ایران مجموعه‌ای را تهیه کرده است که ویژه‌نامه‌ای که در اختیار شماست گزیده‌ای از مهم‌ترین تحلیل‌های بین‌المللی موجود در آن را انعکاس داده است.

این مؤسسه یکی از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه است که به بررسی تحولات سیاسی اجتماعی این منطقه پرداخته و تاکنون پژوهش‌های بسیاری را در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز انجام داده است. براین اساس با توجه به اهمیت پژوهش‌های مرتبط با حوزه ایرانی این ویژه‌نامه، به بررسی مهم‌ترین نگرش‌ها و رویکردهای غرب نسبت به ایران ۳۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد.

مسئلاً درج این مطلب و تحلیل‌ها به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات

سیاسی نیست و تنها با هدف آگاهی‌بخشی محققان محترم صورت پذیرفته است.

**عنوان: فهم سیاست خارجی ایران^۱**

نویسنده: روح‌الله رضمانی^۲

یکی از مهم‌ترین مسائل لازم برای سیاست‌مداران آمریکا در اعمال یک سیاست مؤثر در قبال ایران، فهم سیاست خارجی این کشور است. این مسئله تنها از طریق درک و تجزیه و تحلیل محیط روان‌شناختی و فرهنگی رفتار ایرانیان میسر است. بدین‌منظور باید دو ویژگی خاص ایرانیان را همواره مدنظر قرار داد. این ترکیب پارادوکسیکال، حس غرور و نخوت فرهنگی ایرانیان و تصور قربانی شدن آنان در طول تاریخ است. ایرانیان همواره به سبب پیشینه و قدمت تاریخی ۲۵۰۰ ساله و افتخارات گذشته به خود می‌بالند، زیرا که ارزش‌های فرهنگی آنان بر ادیان و فرهنگ‌های مختلف تأثیر گذاشته و هویت فرهنگی ایران نیز بر تمدن‌های یونانی، عرب، مغول، ترک و به‌صورت غیرمستقیم بر تمدن غرب در طول تاریخ تأثیرات عمیقی گذاشته است. از سوی دیگر دومین ویژگی خاص ایرانیان، احساس ستم و ظلمی است که در طول تاریخ بر آنان تحمیل شده است. این مسئله به‌واسطه حملات تمدن‌ها و اقوام مختلف به سرزمین ایران و در دوره معاصر به‌واسطه نفوذ و استعمار قدرت‌های بزرگ (مانند انگلیس و روسیه) و اشغال ایران توسط آنان ایجاد شده است. این دو خصلت خاص فرهنگی ایرانیان، زمینه حس استقلال‌طلبی آنان و فرهنگ مقاومت در برابر سلطه قدرت‌های دیگر از جمله آمریکا را به‌وجود آورده است.

1. R.K.Ramazani, "Understanding Iranian Foreign Policy", The Middle East Institute Viewpoints: The Iranian Revolution at 30. www.mideasti.org

۲. استاد دانشگاه ویرجینیا و پژوهشگر مطرح مسائل سیاست خارجی ایران و خاورمیانه.



از سوی دیگر مهم‌ترین چالش‌های موجود در روابط ایران و آمریکا نیز متأثر از ذهنیت‌های تاریخی و روان‌شناختی ایرانیان است. در این میان سقوط دولت مصدق توسط آمریکا، مسئله بسیار مهمی است که تأثیر آن مانند پیامدهای روانی حادثه اشغال سفارت آمریکا باقی مانده است. با وجود این، باید در نظر داشت که شواهدی از نقش مثبت آمریکا در تاریخ ایران نیز وجود دارد؛ چنانچه اولتیماتوم آمریکا برای خروج نیروهای شوروی از ایران در پایان جنگ دوم جهانی همواره در ذهنیت ایرانیان جای گرفته است. علاوه بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های خاص سیاست خارجی ایران سنت احتیاط در حکومت‌مداری است. این خصلت خاص تاریخی ایرانیان حاصل تجربه قرن‌های متمادی رفتار ایرانیان با سایر تمدن‌هاست. این مسئله موجب شده است که رویکرد سیاست خارجی ایران پس از انقلاب نیز پس از دوره‌ای به سمت تعامل با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و تنش‌زدایی پیش رود. با توجه به مجموعه این ویژگی‌های خاص فرهنگی ایرانیان، کلیه کشورهایی که خواهان تعامل با ایران، به‌ویژه در مسئله هسته‌ای، هستند باید به نکات زیر توجه داشته باشند:

۱. در تعامل با ایران باید با احترام و رفتار مناسبی برخورد کرد. بنابراین اعمال فشار یا تهدید ایران (سیاست چماق و هویج) و تحمیل مستقیم و غیرمستقیم فشارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک نتیجه منفی خواهد داشت. چنانچه مثلاً زمانی که آمریکا تأکید می‌کند که کلیه گزینه‌ها در تعامل با ایران مدنظر قرار دارد، ایران آن را نوعی تهدید به زور و اقدام نظامی تصور می‌کند. از سوی دیگر مثلاً زمانی که پیشنهاد ۵+۱ در مورد مسئله هسته‌ای ایران با تعیین ضرب‌الاجل پاسخ ایران طرح می‌شود، ایران آن را مقدمه‌ای برای اعمال تحریم‌های وسیع‌تر می‌داند. بنابراین اولین



مسئله، ضرورت برخورد مناسب و احترام به ایران و تأکید بر پذیرش حقوق مسلم ایرانیان است.

۲. در مذاکره با ایران باید به شیوه مذاکرات آنان توجه داشت. ایرانیان از مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها مانند آزمودن طرف مقابل، دفع‌الوقت، اغراق، بلوف، تهدید متقابل و ... استفاده می‌کنند.

۳. در تعامل با ایران باید به تمایل استقلال‌طلبی و فرهنگ مقاومت ایرانیان توجه کرد.

با توجه به این عوامل، آمریکا باید در وهله اول، مشروعیت انقلاب ایران را به‌طور صریح به رسمیت بشناسد. همچنین آمریکا باید ارزیابی واقع‌گرایانه‌ای از نقش ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشته باشد. علاوه بر این در سیاست تحریم و مهار نیز که به ایرانیان صدمات بسیاری زده است باید تجدید نظر شود. از سوی دیگر آمریکا باید در مذاکرات بدون پیش‌شرط با ایران شرکت کرده و در مسئله هسته‌ای ایران نیز در راستای فعالیت‌های صلح‌آمیز آن رفتار کند.



عنوان: انقلاب اسلامی ایران و آینده آن^۱

نویسنده: عباس ملکی^۲

تداوم حیات نظام جمهوری اسلامی ایران پس از ۳۰ سال بحران‌های داخلی و تهدیدات خارجی، نشان‌دهنده روند تصمیم‌گیری خردمندانه در آن است. در این زمینه جمهوری اسلامی ایران توانسته است شعار اولیه انقلاب، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را تحقق بخشد. در حوزه استقلال، امروزه سیاست خارجی ایران، مستقل از بلوک‌های قدرت در نظام بین‌الملل است و علی‌رغم عدم استقلال اقتصادی ایران، این کشور توانسته است رفاه نسبی را برای شهروندان خود به‌وجود آورد. این استقلال به‌ویژه در قبال عدم ارتباط ایران و آمریکا مطرح می‌شوند، زیرا که در شعار اولیه انقلاب، به روابط شاه و آمریکا اعتراض شده بود. از سوی دیگر باید توجه داشت که علی‌رغم استقلال سیاسی این کشور، ایران نتوانسته است جایگاه بالقوه خود را (با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان و ۷۰ درصد منابع معدنی جهانی) در نظام اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دست آورد. این مسئله نیز متأثر از وقوع جنگ تحمیلی و مشکلات داخلی مانند سوءمدیریت است. با وجود این، تولید ناخالص داخلی کشور در سال‌های اخیر در حال رشد بوده و در سطح بالاتر از روند رشد سایر کشورهاست.

یکی دیگر از مسائل مهم در مورد انقلاب اسلامی در خلال سه دهه گذشته، روند سیاست خارجی آن بوده است. در این زمینه نیز سیاست خارجی ایران پس از گذشت

1. Abbas Maleki, "Iran's Islamic Revolution and It's Future", www.mideasti.org

۲. رئیس مؤسسه بین‌المللی مطالعات خزر و پژوهشگر همکار در مؤسسه Belfer-Center وابسته به دانشگاه هاروارد.



اندکی پس از انقلاب، رویکرد معتدلی را در پیش گرفته است. چنانچه علی‌رغم رویکرد اولیه انقلاب در مورد عدم پذیرش هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی، امروزه ایران حضور فعالی در نظام بین‌الملل و به‌ویژه سازمان ملل دارد، به‌گونه‌ای که علی‌رغم گفتمان احمدی‌نژاد علیه نظام بین‌الملل، مشارکت در اجلاس‌های سازمان ملل و مصاحبه با مطبوعات آمریکا به سنت معمولی تبدیل شده است. در حوزه توسعه سیاسی داخلی نیز علی‌رغم پیشنهاد مدل چینی به ایران، به‌دلیل ویژگی‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی متفاوت این کشور با چین نمی‌تواند اجرایی گردد. علاوه‌بر این باید توجه داشت که در ایران، اگرچه مشکلات اقتصادی بر این کشور سایه افکنده است، اما مردم حامی دولت هستند. با وجود این، بزرگ‌ترین تهدیدات موجود در قبال نظام جمهوری اسلامی ایران، مشکلات داخلی و نارضایتی اجتماعی و اقتصادی طبقه متوسط شهری است.

در بخش انرژی نیز آینده ایران به‌دلیل نیاز اروپا به تنوع‌بخشی به واردات انرژی و کاهش وابستگی به روسیه، در وضعیت ممتازی قرار دارد و این کشور می‌تواند نقش بازیگر مهمی را ایفا کند. از سوی دیگر سیاست خارجی ایران به‌دلیل موقعیت ژئواستراتژیک آن بر تمرکز بر خاورمیانه و خلیج فارس شکل گرفته تا از این طریق از انزوای تحمیلی آمریکا علیه ایران جلوگیری شود. در واقع در این زمینه ایران تنها راه‌حل بقای خود را تبدیل آن به یک ابر قدرت منطقه‌ای می‌داند. لذا منطقه‌گرایی بخش مهمی از سیاست خارجی ایران بوده و در این راستا ایران حاضر شده است با حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قسمتی از حاکمیت خود را نیز با دولت‌های دیگر تقسیم کند. به‌علاوه که حضور ایران در پیمان شانگهای نیز اگرچه



برای کاهش خطرات امنیتی (طالبان و آمریکا) صورت گرفته است، اما این سازمان توانایی دفع تهدید یا حمله احتمالی آمریکا را ندارد. یکی دیگر از مباحث مهم در آینده سیاست خارجی ایران در مورد روابط آن با آمریکاست. این مسئله که این روابط تا چه زمانی به صورت کنونی وجود خواهد داشت مورد توجه پژوهشگران مختلف قرار گرفته است. در این میان عده‌ای معتقدند که ضرورت‌های اقتصادی، ایران را به سوی برقراری حداقل رابطه‌ای اقتصادی با آمریکا متمایل خواهد کرد. برخی دیگر، نیاز آمریکا به ایران را در پرتو بحران مالی جهانی عاملی برای تغییر ماهیت روابط دو کشور می‌دانند. از سوی دیگر عده‌ای معتقدند که ایجاد رابطه با آمریکا به تضعیف نظام ایران منجر می‌شود، زیرا یکی از مهم‌ترین ارکان آن ضدآمریکایی بودن جمهوری اسلامی ایران است. گروه دیگری بر این اعتقادند که برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با آمریکا سبب حل مشکلات کنونی ایران نخواهد شد، زیرا ریشه بسیاری از این مشکلات، تاریخی یا فرهنگی است به علاوه که آمریکا در حال افول است و ضرورتی به برقراری رابطه وجود ندارد. در هر حال، آینده ایران متأثر از مجموعه عوامل مختلف داخلی و روابط منطقه‌ای آن و ماهیت تعاملات آن با آمریکا خواهد بود.



عنوان: سیاست خارجی ایران همراهی ایدئولوژی و عمل‌گرایی^۱

نویسنده: ناصر ثقفی امیری^۲

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب، همانند سایر انقلاب‌ها برخی ارزش‌ها و مفاهیم را احیا کرده است. هر چند در این راستا در سیاست خارجی مؤلفه‌های ایدئولوژیک وجود داشته است، اما همواره نوعی عمل‌گرایی نیز در اقدامات سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود. از ابتدای انقلاب شعار «نه شرقی نه غربی» به عنوان یک اعلامیه استقلال از نظام دوقطبی مطرح شد. در واقع نظام جمهوری اسلامی به مقابله با ساختارهای شرق و غرب برخاست و شعار صدور انقلاب مطرح شد. از ابتدا دو رویکرد نسبت به شعار صدور انقلاب وجود داشت برخی معتقد بودند می‌باید ارزش‌های معنوی و فرهنگی انقلاب ایران به کشورهای دیگر از طریق مسالمت‌آمیز و دیپلماسی صادر شود و در مقابل عده‌ای معتقد به صدور این ارزش‌ها به شکل عملی به کشورهای اسلامی و جهان سوم بودند. پس از گذشت اندک زمانی گروه دوم به حاشیه رفته و رویکرد عملگرایانه و ملی‌گرایانه تقویت شد. با وجود این، سیاست خارجی ایران با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو بوده است.

هشت سال جنگ با عراق و تداوم فشارهای غرب علیه ایران سبب شده است ایران سیاست نگاه به شرق را در پیش گیرد. هدف اصلی این سیاست برقراری روابط گسترده با کشورهای شرقی نظیر چین، هند، روسیه، آفریقا و آمریکای لاتین است.

1. Nasser Saghafi Ameri, Iranian Foreign Policy: Concurrence of Ideology and Pragmatism, www.mideasti.org.

۲. تحلیلگر مسائل امنیت بین‌الملل.



از سوی دیگر تحولات منطقه‌ای متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر سبب شده است ایران در جهت تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای گام بردارد. با وجود این، غرب با ایراد اتهاماتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران سعی در مهار این کشور دارد. ایران تمایل زیادی جهت اعمال ملاحظات ایدئولوژیک خود در سیاست خارجی دارد، ولی بقا در نظام بین‌المللی این کشور را به سمت عمل‌گرایی سوق داده است تا جایی که این کشور در جنگ عراق و افغانستان با آمریکا همکاری کرد. همچنین حقایق موجود و عینی سبب شده است ایران به سمت تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای گام بردارد و ملاحظات ایدئولوژیک خود را تعدیل کند. جمعیت ۷۰ میلیونی ایران و منابع غنی این کشور و نفوذ گسترده در عراق، افغانستان و هلال شیعی ایران را وادار به اتخاذ چنین استراتژی کرده است. از سوی دیگر علی‌رغم گفتمان مخالف میان ایران و آمریکا، این دو کشور منافع مشترک زیادی در منطقه دارند و تنها نقطه افتراق آنها مسئله رژیم صهیونیستی و تهدید ایران برای موجودیت این رژیم است. سیاست خارجی ایران در طول ۳۰ سال گذشته فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده است و ایران شرایط تطبیق با وضع موجود را آموخته است و از سوی دیگر به نقطه تعادل میان عمل‌گرایی و ایدئولوژی دست‌یافته است.



عنوان: روابط بین‌المللی ایران: عمل‌گرایی در عین انقلابی‌گری^۱

نویسنده: انوشیروان احتشامی^۲

انقلاب‌ها هرچند پدیده‌های داخلی محسوب می‌شوند، ولی می‌توانند در عرصه بین‌المللی دارای تبعات باشند و توازن قوا و جریان دیپلماسی بین کشورها را تغییر دهند. انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. این انقلاب از سوی رژیم پهلوی را سرنگون ساخت و ساختارهای آن را تغییر داد و از سوی دیگر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نخبگان جدید و ساختار ایدئولوژیک را به وجود آورد. انقلابیون ایران معتقدند ساختار حکومتی آنها به شرق و غرب شباهتی ندارد و نوع جدیدی از جمهوری را بر مبنای اسلام شکل داده‌اند. انقلاب ایران در فضای جنگ سرد پدیده‌ای جدید محسوب می‌شد که به شرق و غرب وابستگی نداشت و خود به‌عنوان متغیری جدید در عرصه روابط بین‌الملل ظهور پیدا کرد. لذا سیاست خارجی ایران تحت تأثیر روابط بین‌الملل و پیچیدگی‌های آن بوده و رویکردهای انقلابی نیز تأثیر بسزایی در آن دارد که در قانون اساسی ایران تجلی یافته است. در عمل روابط بین‌المللی ایران تحت تأثیر مسائل عمل‌گرایانه قرار دارد که مسائل ایدئولوژیک، جهت‌دهی کلی آنها را برعهده دارد. در واقع ایران همانند سایر کشورها در عرصه بین‌المللی رفتار می‌کند و در بسیاری موارد راه رژیم پهلوی را ادامه داده است. تداوم روابط با غرب، شرکت در اجلاس D-8 و تمایل به همکاری با کشورهای اسلامی و نیز کشورهای سکولار

1. Anoush Ehteshami, "Iran's International Relations" Pragmatism in a Revolutionary Bottle, www.mideasti.org

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه دورهایم آمریکا.



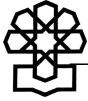
منطقه مانند الجزایر، لیبی و سوریه و نیز عربستان سعودی نمونه‌هایی از عمل‌گرایی ایران است.

به عبارت دیگر ایران روابط با کشورهای اسلامی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار نداده و با سایر کشورها نیز ارتباط گسترده‌ای دارد. مهم‌ترین جلوه‌های سیاست خارجی ایران عبارت است از:

عمل براساس ترکیبی از آموزه‌های مذهبی - ناسیونالیستی، انقلابی - پوپولیستی، فرصت‌طلبی و ضدیت با آمریکا و صهیونیسم. رادیکالیسم ایران محدود به مسائل داخلی و در نهایت منطقه خاورمیانه است و روابط ایران با غرب قوی است به عبارت دیگر ایران برخلاف شعار «نه شرقی، نه غربی» خود با شرق و غرب رابطه دارد.

به لحاظ تحلیلی سیاست خارجی ایران چند دوره را طی کرده است. دوران رویارویی و منازعه (از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸)، دوران سازش (از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷)، دوره تنش‌زدایی (از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵) و دوران امتناع (از ۲۰۰۵ تاکنون).

در حالی که انقلاب اسلامی به لحاظ ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار داد، ولی در مجموع انقلابی‌گری ایران جای خود را به نوعی عمل‌گرایی داده است.



عنوان: انقلاب ایران در ۳۰ سالگی: همچنان غیرقابل پیش‌بینی^۱

نویسنده: چارلز کرزمن^۲

چگونه انقلاب اسلامی ایران ۳۰ سال دوام آورد؟ این سؤال است که هنوز برخی از انقلابیون نیز آن را از خود می‌پرسند. در سال ۱۹۷۹ که قانون اساسی ایران نوشته شد و آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلاب شد کسی تصور نمی‌کرد پس از گذشت ۳۰ سال همچنان این ساختار تداوم یابد، زیرا در آن مقطع آیت‌الله خمینی شخصیت ویژه و منحصر به فردی داشت، ولی با تغییر قانون اساسی پس از درگذشت وی این روند تداوم یافت. بسیاری از ناظران خارجی نیز تصور نمی‌کردند انقلاب اسلامی همچنان ادامه یابد. آنها فکر می‌کردند بعد از گذشت یک سال از انقلاب اختلاف میان انقلابیون سبب انحراف آن شود. با این حال این انقلاب، بحران‌های زیادی را پشت سر گذارده است و بسیاری از شخصیت‌های برجسته آن در ابتدا ترور شدند. حامیان انقلاب اسلامی معتقدند انقلاب از ابتدا همواره در بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... بوده است و از این‌رو مردم را به حمایت از رژیم جهت عبور از بحران فرا می‌خوانند. این در حالی است که لیبرال‌ها معتقدند اگر این بحران‌ها وجود داشت نمی‌باید انقلاب ۳۰ سال ادامه یابد.

مطمئناً برخی از کشورها به دنبال تغییر رژیم در ایران بوده‌اند. برای مثال آمریکا از سال ۱۹۹۵، ۱۸ میلیون دلار برای این منظور اختصاص داد و این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۴۰۰ میلیون دلار رسید. عجیب نخواهد بود که پس از انتشار اسناد طبقه‌بندی

1. Charles Kurzman, The Iranian Revolution at 30: Still unpredictable, www.mideasti.org.

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کارولینای شمالی.



شده دولت آمریکا، مشاهده کنیم که بسیاری از اقدامات در جمهوری اسلامی با حمایت آمریکا در راستای سرنگونی رژیم ایران صورت گرفته است. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، ولی ایران نتوانسته است به برخی از اهداف خود برسد. برای مثال این کشور نتوانست انقلاب خود را صادر کند یا پس از جنگ هشت‌ساله صدام را سرنگون کند. از سوی دیگر در عرصه داخلی ایران مجبور شد با بازنگری در قانون اساسی و ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی از مصوبات شورای نگهبان را مورد بازنگری قرار دهد. این امر به معنای آن بود که برخی از دستورات دین اسلام از جهت مصلحت در ایران اجرا نمی‌شود.

در مجموع ایران کشوری است نیمه‌صنعتی و نیمه‌دمکراتیک که دارای روابط تنش‌آمیز با آمریکا و اروپاست. علت دوام انقلاب ایران تعدیل برخی از آرمان‌های ایرانیان بوده است. وقتی اصلاح‌طلبان در اواخر دهه ۱۹۹۰ روی کار آمدند اشتیاق گسترده مردمی جهت تغییرات به وجود آمد. با وجود این انقلاب اسلامی همچنان غیرقابل پیش‌بینی بوده و روند تحولات آن را نمی‌توان از قبل به‌درستی تحلیل کرد. به هر حال آنچه مسلم است آنکه تداوم انقلاب‌ها از ایجاد انقلاب جدید، محتمل‌تر است.



عنوان: عامل ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران^۱ نویسنده: کیهان برزگر^۲

یکی از ویژگی‌های متفاوت انقلاب‌های جهان، در دو رویکرد تمایل آنان به صدور انقلاب یا اقدامات انزواگرایانه آنان و تلاش برای حفظ انقلاب از دنیای خارج قابل مشاهده است. این مسئله در انقلاب ایران نیز وجود داشته است. در واقع از ابتدای انقلاب، چالشی در زمینه ایجاد نوعی توازن میان رهیافت ایدئولوژیک (ایدئالیسم) و ژئوپلیتیک (پراگماتیسم) در سیاست خارجی ایران وجود داشته است. در این میان، با گذشت مدتی از انقلاب، تمایل رهبران ایران به توجه به عامل ژئوپلیتیک افزایش یافته و هم‌اکنون ایدئولوژی یکی از مجموعه عوامل و منابع قدرت ایران برای حفظ امنیت و منافع ملی آن محسوب می‌شود. در ابتدای انقلاب، رویکرد سیاست خارجی ایران متأثر از عوامل ایدئولوژیک و جغرافیایی بود. این مسئله متأثر از محیط عملیاتی رفتار خارجی ایران و وجود انواع تهدیدات از جمله تهدید نظامی آمریکا بود. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ایران نیز در جوار همسایگان بی‌ثباتی قرار گرفته بود. چنانچه دولت‌های ضعیف و شکننده در شرق (افغانستان و پاکستان)، درگیری‌ها و اختلافات قوی در غرب (عراق)، دولت‌های اقتدارگرا و رژیم‌های وابسته امنیتی در جنوب (کشورهای عربی) محیط بی‌ثباتی را در اطراف ایران نشان می‌داد. این محیط بی‌ثبات، زمینه گسترش فضای رقابت و درگیری نظامی و حضور و مداخله قدرت‌های خارجی را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر واقعیات ژئوپلیتیک ایران (ویژگی‌های مذهبی -

1. Kayhan Barzegar, "The Geopolitical Factor in Iran's Foreign Policy", www.mideasti.org.

۲. پژوهشگر مؤسسه Belfer-center و البته به دانشگاه هاروارد.



فرهنگی، سیاست قومی) نیز امنیت آن را به منطقه پیوند می‌زد. این مسائل سبب شده است که در شرایط کنونی نیز با احیای شیعیان منطقه، نگرانی‌های کشورهای عربی (عربستان، اردن و ...) از هلال شیعه مطرح شود. از سوی دیگر تعاملات شیعیان نیز گسترش یافته و حوزه‌های عملکرد و نفوذ ایران افزایش یافته است. با وجود این، به‌هم پیوستگی امنیت و ژئوپلیتیک در منطقه، در شرایط کنونی، چالش و فرصت برای ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که رابطه مستقیمی میان احتمال تهدید نظامی آمریکا علیه ایران و اجرای ابزارهای ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران وجود دارد و ایران از این مسئله برای رفع تهدیدات نظامی استفاده می‌کند. از سوی دیگر ایجاد روابط نزدیک ایران با شیعیان با هدف ایجاد یک ائتلاف استراتژیک نیز براساس واقعیات ژئوپلیتیک طراحی شده است. بنابراین با وجود دولت و نخبگان دوست در عراق، امکان ایجاد ترتیبات سیاسی - امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس وجود دارد. در واقع عراق جدید، نقطه کانونی انطباق دو جنبه ایدئولوژیک و پراگماتیک سیاست خارجی ایران پس از انقلاب است. در واقع برخلاف رویکرد ایدئولوژیک دهه اول انقلاب و رویکرد ژئوپلیتیک پس از آن، هم‌اکنون ایدئولوژی به خدمت منافع و امنیت ملی ایران درآمده است.



عنوان: لفاظی تاکتیکی سیاست خارجی ایران^۱

نویسنده: بیژن نشاط^۲

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست خارجی ایران، پیوند تمایلات ایدئولوژیک و محاسبات پراگماتیک است. در واقع برخلاف این تصور که سیاست خارجی ایران صرفاً ایدئولوژیک است، رهبران ایرانی از پیوند این دو عامل برای دستیابی به اهداف خود استفاده کرده‌اند. براین اساس، زمانی که قدرت ژئوپلیتیک ایران به واسطه جنگ عراق و افغانستان افزایش یافته است، ایران با اختلافات قدیمی سرزمینی و چالش‌های بین‌المللی مواجه می‌شود. از ابتدای پیروزی انقلاب نیز ایران - که به‌عنوان یک دولت شیعی متفاوت با دولت‌های منطقه‌ای بود - تلاش کرد تا با طرح امت اسلامی از این اختلافات جلوگیری کند و زمینه دستیابی به اهداف خود را در منطقه به‌وجود آورد. این مسئله در دوره‌های بعد از رحلت امام خمینی (ره)، نیز با تاکتیک مصالحه و کاربرد کمتر لفاظی‌های ایدئولوژیک تداوم یافت به‌گونه‌ای که ایران در سال ۱۹۹۷ نشست سران کشورهای اسلامی را در تهران برگزار کرد. از سوی دیگر با قرار گرفتن ایران در محور شرارت، لفاظی‌های ایدئولوژیک ضدامپریالیستی و ضداسرائیلی در سیاست خارجی ایران برای پیشبرد فعالیت‌های هسته‌ای آن تقویت شد و از این مسئله برای خروج از انزوای ایران در خاورمیانه - از طریق گسترش پیرامون ایران به لبنان و فلسطین - استفاده شد. از سوی دیگر با حمایت ایران از گروه سنی مبارزین فلسطینی، عملاً ائتلاف شیعه و سنی که پس از جنگ آمریکا و عراق در منطقه تشدید

1. Bidjan Nashat, "Iran Tactical Foreign Policy Rhetoric", www.mideasti.org

۲. مشاور امور توسعه بین‌الملل و خاورمیانه در بانک جهانی.



شده بود نیز کاهش یافت. از سوی دیگر سیاست‌های اعمالی احمدی‌نژاد علیه رژیم صهیونیستی و تأکید بر امت اسلامی سبب شد که دولت‌های عرب در تابعیت مطلق از آمریکا و رشد گروه‌های اپوزیسیون اسلام‌گرا و شیعی در کشورهايشان با احتیاط عمل کنند. علاوه بر این رویکرد دولت کنونی در خوداتکایی در پیشرفت‌های تکنولوژیک و طرح مسئله عدالت در امور جهانی سبب شد که حمایت کشورهای عدم تعهد نیز به دست آید و ۱۱۸ کشور در سپتامبر ۲۰۰۶ بر تداوم فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تأکید کنند. از سوی دیگر اقدامات ضدامپریالیستی احمدی‌نژاد سبب نزدیکی ایران به دولت‌های آمریکای لاتین در تقابل با آمریکا شد. براین اساس، سیاست خارجی ایران از طریق دیپلماسی عمومی مؤثر و لفاظی ضدامپریالیستی بسیار موفق‌تر از دولت‌های عربی بوده است. این لفاظی ایدئولوژیک ایران زمینه خروج آن از انزوای منطقه‌ای را که آمریکا و اروپا به دنبال آن است به وجود آورده است. چنانچه مثلاً سیاست انکار هولوکاست احمدی‌نژاد سبب پیوند مسئله هسته‌ای ایران به مناقشات اعراب و اسرائیل شد و این مسئله حمایت‌های پان اسلامی افکار عمومی دنیای عرب از ایران را افزایش داده و دولت‌های عربی را در موضع ضعف قرار داده است. از سوی دیگر در سطح بین‌الملل نیز ایران با پیوند مسئله هسته‌ای با اختلاف شمال و جنوب و تأکید بر عدالت در نظام بین‌المللی و حاکمیت دولت‌ها و خوداتکایی تکنولوژیک، پرونده هسته‌ای ایران را بین‌المللی کرده است. با وجود این، سیاست خارجی ایران کاملاً موفق نبوده و افزایش انزوای بین‌المللی ایران و سه قطعنامه شورای امنیت و تحریم اقتصادی ایران را نیز به دنبال داشته است. به علاوه که برخی دولت‌های عربی مانند عربستان مخالفت شدیدتری را ابراز کرده‌اند و رقابت تسلیحاتی نیز در منطقه تشدید شده است.



عنوان: اتحادیه اروپا و ایران^۱

نویسنده: والتر پوش^۲

حکومت‌های اروپایی مسائل مربوط به تحولات انقلابی ایران را مدنظر داشتند، ولی آغاز جنگ ایران و عراق باعث شد ایران، اروپا را به حمایت از صدام متهم کند. از سال ۱۹۹۲، ایده گفت‌وگوی انتقادی اروپا با ایران متولد شد، ولی روابط دو کشور مجدداً در سال ۱۹۹۵ به وخامت گرایید، ولی روی کار آمدن محمدخاتمی ایده گفت‌وگوهای جامع را در اروپا مطرح ساخت. روابط اروپا و ایران حتی پس از سال ۲۰۰۲ و افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز ادامه یافت، زیرا اروپا ادامه گفت‌وگو و روابط را برای تقویت اصلاح‌طلبان مناسب می‌داشت و از سویی بحران عراق موضوع اصلی جامعه بین‌المللی در آن مقطع محسوب می‌شد. پس از آن ۳ کشور اروپایی برای متقاعد کردن ایران جهت امضای غنی‌سازی را در جهت اعتمادسازی معلق نمود، ولی این امر از سال ۲۰۰۵ از سرگرفته شد. ایران نقش چندانی برای اروپا در مسئله هسته‌ای خود قائل نبود و بازیگر اصلی را آمریکا می‌دانست و اروپا را به دلیل عدم پایبندی به تعهداتش مورد انتقاد قرار داد. روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد مجدداً روابط اروپا و ایران را تیره ساخت و برداشت‌های منفی از ایران در اروپا به وجود آمد. ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، علاوه بر اروپا، آمریکا، روسیه و چین را درگیر مسئله کرد. تحریم‌های اعمال شده شورای امنیت راهکار جدیدی برای توقف برنامه هسته‌ای ایران بود. موضع اروپا در این باره تحریم اشخاص و صنایع

1. Walter Posch, The European Union and Iran, www.Mideasti.org

۲. محقق مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا در فرانسه است.



مرتبط با انرژی هسته‌ای و مجبور ساختن ایران جهت بازگشت به میز مذاکره بود. در واقع اروپا به دنبال تغییر رژیم در ایران نبوده است. روابط آتی اروپا و ایران بستگی به تداوم یا عدم تداوم برنامه هسته‌ای ایران دارد.



عنوان: ایران و فرانسه: رؤیاهای بر باد رفته^۱
نویسنده: پیروز ایزدی^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تصور می‌شد روابط ایران و فرانسه روبه گسترش باشد، زیرا آیت‌الله خمینی چهار ماه از تبعید خود را در فرانسه گذرانده بود و به سبب مهمان‌نوازی فرانسویان بهبود روابط محتمل به نظر می‌رسید. اما چندین عامل سبب شد روابط دو کشور چندان تقویت نگردد:

۱. تفاوت در جهان‌بینی دو کشور،
۲. سیاست فرانسه در قبال اعراب،
۳. محدودیت‌های اتحادیه اروپا،
۴. تضاد منافع دو کشور در منطقه،
۵. «عامل» ایالات متحده.

در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹، گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه و نیز حمایت از شیعیان منطقه در عراق و لبنان و تلاش برای صدور انقلاب سبب شد فرانسه، ایران را عامل بی‌ثبات‌سازی منطقه بداند. علاوه بر این مسائل بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا و برخی بمب‌گذاری‌های صورت گرفته در اروپا که ایران متهم انجام آنها بود، سبب شد رویکرد منفی نسبت به انقلاب ایران به وجود آید. در جریان جنگ ایران و عراق نیز فرانسه از عراق حمایت کرد. صدور فتوای قتل سلمان رشدی سبب قطع روابط فرانسه و سایر کشورهای اروپایی و فراخوانی سفرای خود از تهران شد.

1. Pirooz Izadi, Iran and France: Shattered Dreams, www.mideasti.org.

۲. محقق مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.



در مقطع زمانی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ پس از پایان جنگ ایران و عراق و فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد، تغییراتی در سیاست خارجی و اقتصادی ایران صورت گرفت و این کشور به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود. فرانسه نیز تمایل زیادی جهت سرمایه‌گذاری در ایران داشت. از سوی دیگر بهبود روابط ایران با اعراب همسایه باعث بهبود روابط فرانسه و ایران در مقطع سال‌های بین ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ که مصادف با روی کار آمدن محمد خاتمی در ایران بود، امیدهایی در کشورهای اروپایی و به خصوص فرانسه ایجاد و این کشورها را به سمت گفت‌وگوی سازنده رهنمون گشت. در سال ۲۰۰۳ و افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران، کشورهای EU-3 تلاش کردند راه حلی برای برنامه هسته‌ای ایران بیابند که در نهایت منجر به تعلیق غنی‌سازی شد. فرانسه خواهان حفظ تسلیحات اتمی در باشگاه اتمی جهان و عدم اشاعه آن بود و از این رو گفت‌وگو را عاملی برای حل مسئله می‌دانست.

در سال‌های پس از ۲۰۰۵ تعادل قوا در منطقه به سود ایران تغییر کرد و در عراق و افغانستان و سوریه و لبنان نفوذ ایران بیش از پیش خود را نمایان ساخت. این مسئله باعث تضاد منافع فرانسه و ایران در منطقه شد. روی کار آمدن سارکوزی و نزدیکی او به آمریکا سبب شد تضاد منافع دو کشور به شکل آشکاری مطرح گشته و حتی به درگیری لفظی دو کشور نیز منجر شود.

در مجموع روابط فرانسه و ایران تحت تأثیر متغیرهای موجود در اتحادیه اروپا و نیز روابط آمریکا با فرانسه متغیر است.



عنوان: طیف تصورات مختلف از برنامه هسته‌ای ایران^۱
نویسنده: رحمان قهرمان‌پور^۲

رابطه ایران و غرب در ۳۰ سال گذشته سرشار از بی‌اعتمادی متقابل بوده است. در حال حاضر برنامه هسته‌ای ایران نمونه بارز این بی‌اعتمادی است، زیرا ایران معتقد است برنامه هسته‌ای این کشور جهت مصارف صلح‌آمیز می‌باشد در حالی که غرب نسبت به هدف اصلی این برنامه تردید جدی دارد، علت اصلی این مسئله وجود دیدگاه‌های مختلف نسبت به برنامه هسته‌ای ایران است.

رویکرد بدبینانه به مسئله هسته‌ای ایران معتقد است ایران توان کافی و اورانیوم لازم جهت ساخت سلاح در ظرف ۶ ماه را در اختیار دارد، در صورتی که ایران از پیمان NPT خارج شود. با وجود این برخی معتقدند تبعات خروج از معاهده NPT برای ایران بسیار زیاد بوده و ایران چنین اقدامی را انجام نخواهد داد. در طول این سال‌ها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، انحرافی در برنامه هسته‌ای ایران مشاهده نکرده است. این مسئله در حالی مطرح می‌شود که از سال ۲۰۰۳ رسانه‌های غربی نزدیک بودن ساخت بمب اتم توسط ایران را مطرح می‌کنند. این در حالی است که نظارت‌های آژانس این امر را تأیید نمی‌کند و حتی اسناد ارائه شده و مطالعات ادعای مطرح شده از سوی آمریکا نیز مورد تأیید قرار نگرفته است.

غرب مطمئن است که حتی ایران هسته‌ای نمی‌تواند یک تهدید بالقوه باشد. این در حالی است که ایران بدون کمک غرب نمی‌تواند به برنامه‌های توسعه خود دست یابد.

1. Rahman G. Bonab, The Spectrum of Perceptions in Iran's Nuclear Issue, www.mideasti.org.

۲. محقق مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.



هرچند تصمیم‌گیرندگان ایران نسبت به مقاصد غرب تردید دارند، علت اصلی این بی‌اعتمادی عدم درک متقابل طرفین است. بدین معنا که غرب، برنامه هسته‌ای ایران را در چارچوبی نئورئالیستی می‌بیند در حالی که ایران آن را از دید مسئله‌ای داخلی می‌نگرد. براساس رویکرد نئورئالیستی ایران مجبور است به سمت سلاح هسته‌ای گام بردارد، چراکه واقعیات منطقه‌ای پس از جنگ سرد و تهدیدها و فضای منطقه این مسئله را طلب می‌کند. این در حالی است که مسئله تهدید تنها یک جنبه از حرکت به سوی سلاح اتمی است و کشورهای متعددی نظیر ژاپن، برزیل، هلند و آرژانتین نیز دانش غنی‌سازی را در اختیار دارند، ولی به سمت ساخت سلاح نرفته‌اند.

در داخل ایران نخبگان ایرانی رفتار غرب را در چارچوب عملکرد ۳۰ ساله آن دیده و معتقدند استاندارد دوگانه غرب در برابر ایران سبب رفتارهای نامناسب آنها گشته است. به عقیده آنها کوتاه آمدن و پذیرش خواسته‌های غرب در مسئله هسته‌ای سبب اعمال فشار بیشتر غرب در حوزه‌های دیگر از جمله حقوق بشر خواهد بود.

هر دو طرف به شکل تلویحی می‌دانند که برنامه هسته‌ای ایران بازی حاصل جمع صفر نیست. مشروعیت حکومت ایران از طریق بسیج سیاسی مردم باز تولید شده و مسئله هسته‌ای سبب تقویت سیاست بسیج می‌شود. مسئله‌ای که غرب باید بداند آن است که مهم‌ترین مسئله تصمیم‌گیرندگان ایرانی مسائل داخلی است تا خارجی.

مسئله هسته‌ای ایران فرصتی برای غرب جهت ارزیابی سیاست داخلی ایران است. تقویت بی‌اعتمادی در سال‌های اخیر، یافتن راه‌حل را دشوار ساخته است. در این راه دانشگاهیان نقش ویژه‌ای دارند و آنها باید به‌جای تمسک صرف به تئوری‌ها، به تصمیم‌گیرندگان جهت گسترش دانش خود و اتخاذ تصمیم مناسب کمک نمایند.



عنوان: فرصت‌ها و چالش‌های صنعت نفت و گاز ایران^۱

نویسنده: نرسی قربان^۲

با گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، صنعت نفت و گاز ایران با فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی روبه‌روست. در این میان اولاً باید توجه داشت که ذخایر نفت و گاز ایران بیشترین میزان در سطح جهان و تنها قابل مقایسه با روسیه و عربستان به حساب می‌آید. براساس آمارهای رسمی، ایران ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت دارد که براین اساس با احتساب استخراج روزانه ۵ میلیون بشکه تا ۵۰ سال آینده دوام خواهد داشت. از سوی دیگر ذخایر گاز ایران (حدود ۳۰ تریلیون متر مکعب) نیز ایران را به دومین دارنده گاز دنیا پس از روسیه تبدیل کرده است و اگر ایران چهار برابر تولید کنونی نیز برداشت کند تا سال ۲۰۵۵ امکان استخراج گاز وجود دارد. همچنین کشور ایران به لحاظ منابع معدنی نیز غنی محسوب می‌شود و براین اساس ایران به لحاظ منابع انرژی در موقعیت بسیار خوبی قرار دارد. دومین مسئله‌ای که در مورد وضعیت صنایع نفت و گاز ایران باید لحاظ کرد، جمعیت جوان تحصیل‌کرده آن است بنابراین ترکیب منابع معدنی و مهارت‌های انسانی فرصت بسیار مناسبی را برای ایران به‌وجود آورده است. این مسئله در صنایع مختلف دیگری مانند صنعت آلومینیم، آهن و ... نیز وجود دارد و براین اساس امکان بالا بردن بهره‌وری صنایع ایران و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها وجود دارد. از سوی دیگر سومین فرصت بالقوه ایران، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن در حد فاصل خلیج فارس و دریای خزر است که در جوار بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی

1. Narsi Ghorban, "Potentials and Challenges in the Iranian Oil and Gas Industry".

۲. پژوهشگر مسائل انرژی.



هند در شرق و ترکیه در غرب) قرار گرفته است و موقعیت منحصر به فردی برای ترانزیت انرژی را به دست آورده است. علاوه بر این ایران می‌تواند به آسانی به بازارهای انرژی در خاور دور و اروپا از طریق خلیج فارس دسترسی داشته باشد و این ارزش افزوده فوق‌العاده‌ای برای ایران محسوب می‌شود. لذا ایران می‌تواند تولیدکننده و صادرکننده انرژی به سایر مناطق جهان باشد. با وجود این، فارغ از این نقاط قوت انرژی ایران که می‌تواند این کشور را به یک قدرت برتر منطقه‌ای در کوتاه‌مدت تبدیل کند، چالش‌هایی نیز فراروی ایران قرار دارد: اولین و مهم‌ترین چالش، ضرورت تغییر نگرش ایران به جهان بر اساس واقعیات بین‌المللی و منطقه‌ای است. بر این اساس، اکنون پس از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی، اولویت‌های اقتصادی باید در سیاست خارجی مدنظر قرار گیرد، زیرا نسل جوان ایران جویای کار و موقعیت رفاهی بهتری هستند و این مسئله از طریق سرمایه‌گذاری خارجی محقق می‌شود. دومین مسئله کاهش تولید نفت از حوزه‌های قدیمی و ضرورت سرمایه‌گذاری و بهینه‌سازی تکنولوژی استخراج و تولید نفت و گاز است. بدین منظور علاوه بر ورود تکنولوژی باید در قراردادهای نفتی نیز به قراردادهای فراتر از بیع متقابل توجه کرد، زیرا این قراردادها اولاً از سوی شرکت‌های نفتی و گازی چندان رضایت‌بخش محسوب نمی‌شود و ثانیاً انتقال تکنولوژی را به دنبال ندارد. سومین چالش ایران در حوزه نفت و گاز، افزایش فوق‌العاده مصرف داخلی است. این مسئله به واسطه یارانه‌های انرژی و عدم وجود سیاست جامع انرژی حاصل شده است. این چالش‌ها سبب شده که ایران موقعیت شایسته خود را در بازار جهانی انرژی پس از ۳۰ سال انقلاب به دست نیاورد. از سوی دیگر عدم اجرای برنامه خصوصی‌سازی، فقدان سیاست‌های لازم بانکی، عدم سرمایه‌گذاری و مشارکت در



حوزه انرژی، عدم تحقیقات کافی در حوزه‌های مختلف مرتبط با انرژی یا عدم ارتباط میان تحصیل‌کرده‌های این رشته‌ها و صنعت نفت و گاز از موانع مهم فراروی صنایع نفت و گاز ایران محسوب می‌شوند. بنابراین در صورتی که این موانع برطرف گردند، صنعت نفت و گاز ایران رشد قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت. این مسئله تأثیر عمیقی بر اقتصاد و استانداردهای زندگی در ایران می‌گذارد.



عنوان: سیاست خارجی ایران و خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند^۱

نویسنده: جلیل روشندل^۲

پس از مدت کوتاهی از انقلاب اسلامی، ایران خود را از جامعه بین‌المللی دور ساخت. دلیل این امر وجود تب و جریان انقلابی بود که سبب آسیب‌پذیری این کشور شد. از سوی دیگر بحران گروگان‌گیری و جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و تحریم‌های اقتصادی، انزوای بین‌المللی ایران را شدت بخشید.

ایران پس از مدتی به‌دنبال خروج از این انزوا و ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی جهت مقابله با این فشارها شد. از اقدامات ایران در این راستا می‌توان به تقویت نفوذ در خاورمیانه و گسترش ارتباط با حزب‌الله و حماس و نیز گسترش روابط با چین و روسیه را نام برد. همچنین ایران به‌دنبال انتقال گاز طبیعی خود به هندوستان از طریق پاکستان است. میدان پارس جنوبی و منابع گازی آن ۱۰ سال پس از انقلاب کشف شد. ایران به‌دنبال صدور این محصول به شبه قاره که نیاز جدی به گاز دارد، است. از سوی دیگر این خط لوله که به خط لوله صلح نیز معروف است، آثار سیاسی نیز دربر دارد، چرا که ماهیت روابط ایران با هند و پاکستان نیز در اثر به نتیجه رسیدن این خط لوله تحت تأثیر قرار می‌گیرد. ایران به‌دنبال استفاده از منابع عظیم گازی خود نه تنها به‌عنوان اهرم اقتصادی، بلکه به‌عنوان اهرمی سیاسی نیز هست. هند بزرگ‌ترین مشتری گاز ایران با جمعیتی بالغ بر ۱/۳ میلیارد نفر خواهد بود. پاکستان نیز می‌تواند از طریق دریافت هزینه انتقال گاز از کشورش به هند، به سود هنگفتی برسد. با تأمین این خط لوله نقش پاکستان

1. Jalil Roshandel, Iran's Foreign Policy and the Iran-Pakistan-India Gas Pipeline, www.mideasti.org.

۲. استاد و مدیر مرکز مطالعات امنیتی دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه کارولینای شرقی.



در روابط ایران و هند همانند نقش اوکراین در روابط روسیه و اروپا خواهد شد. آمریکا به‌دلایل مختلف با این طرح مخالف است، چراکه معتقد است ایجاد این خط لوله می‌تواند رقابت آمریکا و متحدان و رقبای این کشور را در مورد منابع انرژی گسترده ساخته و روابط استراتژیک ایران و هند می‌تواند سبب انتقال دانش اتمی به ایران گردد. از سوی دیگر درآمد ناشی از این خط لوله برای ایران می‌تواند اقدامات ضد حقوق بشری این کشور را گسترش دهد.

تاکنون ایران در راه عملیاتی نمودن این پروژه با مشکل عمده مواجه بوده است: اول، رقابت دیرینه هند و پاکستان در مورد کشمیر که ایران موضع بی‌طرفی را اتخاذ کرده است. دومین و مهم‌ترین مسئله، مخالفت آمریکا و غرب با ایجاد این پروژه است، زیرا غرب مخالف برقراری روابط استراتژیک طولانی ایران و کشورهای غیرغربی است، چراکه درآمد ناشی از این روابط می‌تواند به‌عنوان اهرم فشاری علیه غرب به‌کار رود.

از سوی دیگر، حملات تروریستی بمبئی سبب شده مذاکرات خط لوله متوقف گردد، این مسائل سبب می‌شود راه جایگزین انتقال گاز دریا که بسیار پرهزینه است، مطرح شود.

درمجموع نگرانی‌های ایران در مورد مخالفت آمریکا با این خط لوله بوده و از سوی دیگر شرکت تجاری شریک در این پروژه هنوز مشخص نیست. چین، روسیه، ژاپن و حتی برخی از شرکت‌های اروپایی اظهار تمایل برای مشارکت در این پروژه نموده‌اند. مسلماً حضور روسیه در این پروژه می‌تواند مناسبات منطقه‌ای و ملاحظات آمریکا را پیچیده‌تر سازد.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و عربستان به شدت تیره شد و مقامات ایران، حاکمان عربستان را به سبب روابط با آمریکا مورد سرزنش قرار دادند و اماکن مذهبی این کشور را در اختیار افراد فاسد خواندند. در مقابل عربستان نیز مقامات ایران را به کشتار و تحریف اسلام متهم کرد. از سوی دیگر اظهارات مقامات ایرانی در جهت صدور انقلاب و پیروی از آموزه‌های انقلاب ایران سبب شد عربستان واکنش جدی نشان داده و نگران گسترش تفکرات افراطی به داخل کشور و نیز در سرزمین‌های سنتی حوزه نفوذ این کشور شود. از سوی دیگر عربستان نگران افزایش نفوذ ایران در کشورهای عربی نظیر عراق، سوریه و لبنان است. چنین فضایی سبب شده است تصور رقابت دائمی میان دو کشور به وجود آید.

این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی در ایران، روابط دو کشور بسیار حسنه و در چارچوب روابط آنها با آمریکا تعریف می‌شد به طوری که آنها بخشی از دکترین دو ستونی نیکسون در منطقه بوده و در مقابل شوروی صف واحدی را به وجود آورده بودند. ولی وقوع انقلاب و شعارهای جهانی آن در مورد امت اسلامی، سبب نگرانی عربستان شد. این کشور نگران گسترش شیعه و تفکرات شیعی در منطقه است و نیز در مورد از دست دادن جایگاه سنتی خود در جهان اسلام دغدغه جدی دارد. انقلاب اسلامی مشروعیت انحصاری عربستان برای تفسیر اسلام را از این

1. Henner Furtig, Iran and Saudi Arabia: Eternal Gamecocks, www.mideasti.org

۲. استاد دانشگاه هامبورگ و محقق مرکز خاورمیانه هامبورگ.



کشور گرفت و جایگزین برای آن به وجود آورد. جنگ ایران و عراق و حمایت عربستان از صدام سبب ایجاد تنش بیشتر در روابط دو کشور شد. اما حمله صدام به کویت و پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ سبب شد دو کشور به سوی تنش‌زدایی حرکت کنند. جنگ کویت، عربستان و ایران را به هم نزدیک ساخت و از سوی دیگر روی کار آمدن عمل‌گرایان به رهبری آقای هاشمی در ایران سبب شد دو کشور در جهت تعامل بیشتر با هم گام بردارند. مسلماً احیای ایدئولوژی‌گرایی در سیاست خارجی ایران سبب می‌شود روابط ایران و عربستان مجدداً به سوی رقابت بازگردد. قرار گرفتن ایران به عنوان هژمون منطقه‌ای و احیای اسلام شیعی سبب ایجاد تنش بین دو کشور خواهد شد. جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، سبب تضعیف یک ضلع از مثلث ایران - عربستان و عراق شده است. مسلماً ایجاد ثبات در منطقه مستلزم همکاری این سه کشور است.



روابط ایران و همسایگان آن در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بیشتر بر پایه عمل‌گرایی و ملاحظات توازن قوا برپا شده است و برخلاف این دیدگاه که رویکرد ایدئولوژیک یا انگیزه‌های انقلابی سازنده سیاست خارجی این کشور بوده است، این تمایلات پراگماتیستی سیاست خارجی ایران بوده که آن را به سمت همکاری و تعامل با همسایگانش سوق داده است. سیاست خارجی و امنیتی ایران در خلیج فارس به‌گونه‌ای است که در تعاملات دیپلماتیک منطقه‌ای تأثیر برابری مانند عربستان برای خود قائل است و به لحاظ سیاست امنیتی منطقه نیز نقش و موقعیت خود را برتر از ایالات متحده در حوزه نفوذ خود در خلیج فارس می‌داند. در این میان، روابط ایران و برخی کشورهای همسایه جنوبی آن مانند کویت، بحرین و امارات، تنش و همکاری هم‌زمان بوده است که در روابط آن با امارات بیشترین تنش وجود داشته است. از سوی دیگر نقش عربستان و آمریکا در تعاملات ایران با سایر همسایگان جنوبی آن نیز بسیار مهم است. با وجود این به‌طور کلی سیاست خارجی و امنیتی ایران و همسایگان در هم تنیده شده است به‌گونه‌ای که مثلاً با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و تأثیر آن بر تعاملات امنیتی منطقه، تنش میان ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه (ایرانی) افزایش یافته است. از سوی دیگر حضور نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان و تأثیرات آن بر منطقه نیز نشان‌دهنده تأثیر متقابل

1. Mehran Kamrava, "Iran and the Gulf Cooperation Council" www.mideasti.org

۲. مدیر مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌الملل در دانشگاه جورج تاون قطر.



سیاست‌های امنیتی و خارجی در منطقه و در تعاملات کشورهای آن دارد. با وجود این، باید توجه داشت که علی‌رغم تنش‌های سیاسی و امنیتی میان ایران و امارات، روابط اقتصادی و بازرگانی دو طرف به طرز وسیعی گسترش یافته است و حجم مبادلات دو طرف در سال ۲۰۰۷ در حدود ۱۱ میلیارد دلار بوده است، به‌علاوه که ۵۰۰ هزار ایرانی در دبی ساکنند و دبی مهم‌ترین شریک تجاری ایران است.

براین‌اساس، تنش‌های میان ایران و امارات بیشتر تحت تأثیر روابط آن با سایر همسایگان عربی منطقه است. این مسئله نیز تحت تأثیر بی‌اعتمادی‌های تاریخی اعراب و ایران و اختلاف فرهنگی گذشته است. با وجود این، رویکرد پراگماتیک ایران در دهه ۱۹۹۰ بر تنش‌زدایی با همسایگان عرب آن بوده است. این مسئله سبب شده است که حتی با تغییر دولت ایران و ظهور دولت احمدی‌نژاد، ماهیت رفتار ایران در قبال دولت‌های منطقه تغییری نکند و تنها سیاست آمریکا در قبال ایران و نوع تعامل متحدان با ایران سبب شود که رویکرد دولت‌های منطقه‌ای تغییراتی را شاهد باشد. اگرچه در این میان نیز دولت‌های منطقه تهدید کمتری نسبت به آنچه بوش در مورد ایران هشدار می‌داد احساس می‌کنند. بنابراین آینده روابط ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را بدون در نظر گرفتن آینده روابط ایران و آمریکا نمی‌توان ارزیابی کرد، چنانچه هرگونه کاهش تنشی در روابط این دو کشور به‌وجود آید این مسئله تأثیراتی در تعاملات ایران و همسایگان عرب آن نیز خواهد داشت، زیرا که از یک‌سو با بهبود روابط ایران و آمریکا کشورهایی که نگران حمله آمریکا به ایران هستند از نگرانی آنان کاسته می‌شود و اما از سوی دیگر با گرم شدن روابط دو کشور، از اهمیت آنان در سیاست خارجی آمریکا کاسته خواهد شد.



عنوان: فراز و فرود در روابط ایران و ترکیه^۱

نویسنده: مصطفی کبر اوغلو^۲

روابط دوجانبه ایران و ترکیه در طول ۴ قرن گذشته همواره به صورت ثبات نسبی و صلح پیگیری شده است. از زمان شکل‌گیری ترکیه جدید در سال ۱۹۲۳ و شکل‌گیری پادشاهی نوین در سال ۱۹۲۵ در ایران، روابط دوجانبه مستحکم بوده و هیچ‌یک از دو کشور، دیگری را به‌عنوان رقیب و تهدید جدی تصور نمی‌کردند.

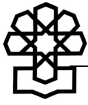
در دوران جنگ سرد دو کشور ایران و ترکیه در اردوگاه غرب با هم به همکاری پرداخته و پیمان سنتو را شکل دادند. ترکیه ایران را کشوری در جهت فقط وضع بهبود و نیز عامل ثبات منطقه تلقی می‌کرد. انقلاب اسلامی سبب شد تنش در روابط دو کشور به‌وجود آید با وجود این دو کشور سعی کردند این مسائل را تلطیف کرده و به روابط تجاری با یکدیگر ادامه دهند.

پایان جنگ سرد باعث ایجاد رقابت ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شد. هر دو کشور با توجه به وجود فرهنگ‌ها، زبان و... خود در آسیای مرکزی به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه بودند. در این راستا غرب به سبب وجود ایدئولوژی در ایران و ترس از گسترش اسلام‌گرایی، ترکیه را نمونه‌ای سکولار برای کشورهای آسیای میانه و قفقاز معرفی کرد.

از سوی دیگر گسترش روابط اسرائیل و ترکیه سبب شد ایران با عراق و سوریه جهت حفظ توازن در منطقه همکاری بیشتری کند. از سوی دیگر با گسترش

1. Mustafa Kibaroglu, Twist and Turns in Turkish – Iranian Relations, www.mideasti.org

۲. از محققان مرکز Belfer و استاد دانشگاه آنکارا.



جریان‌های اسلام‌گرا در ترکیه، این کشور ایران را به دخالت در امور داخلی خود محکوم کرده است.

وقوع حملات ۱۱ سپتامبر و تحولات متعاقب آن در عراق، سبب شده ایران در ترکیه موانع مشترک اتخاذ کند. دلایل این امر نگرانی از تبعات جنگ عراق و انتقال بحران به داخل دو کشور بود. همچنین ترکیه از حق ایران در چارچوب NPT برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای دفاع می‌کند. با وجود این برخی از مقامات ترکیه معتقدند دستیابی ایران به سلاح اتمی می‌تواند موازنه قوا را به نفع ایران به‌شدت بر هم بزند. با توجه به عضویت ترکیه در شورای امنیت سازمان ملل و نیز شورای حکام انرژی اتمی، روابط دو کشور حساس‌تر خواهد شد. در صورت چرخش سریع ترکیه به سمت آمریکا این روابط می‌تواند به سمت رادیکال شدن پیش رود.



روابط ایران و لبنان و به‌ویژه تعاملات این کشور با حزب‌الله لبنان پس از مناقشات اعراب و اسرائیل، بیش از سایر موضوعات مطرح در تاریخ مدرن خاورمیانه مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. این روابط همواره با این سؤال همراه بوده است که این تعاملات فراملی میان ایران و شیعیان لبنان چه تأثیری داشته و چگونه عمل کرده است؛ این سؤال پاسخ‌های متفاوتی داشته به‌گونه‌ای که مثلاً آمریکا و دولت‌های غربی آن را نوعی تعامل شبکه تروریستی و تهدید جهانی دانسته‌اند. با وجود این، با نگاهی دقیق‌تر به این تعاملات، فهم متفاوتی از ایدئولوژی، اقدامات و مؤسسات حزب‌الله حاصل می‌شود. تعاملات ایران و شیعیان لبنان پس از انقلاب اسلامی ایران به‌واسطه رویکرد ایدئولوژیک ایران و سپس حمایت‌های آن از شیعیان لبنان و تلاش حزب‌الله برای حمایت اجتماعی از طبقات ضعیف و آسیب‌پذیر لبنان و انتقال برخی از گفتمان‌های انقلاب به‌وجود آمد. برخی دیگر معتقدند که ایده ولایت فقیه سبب ایجاد مقاومت اسلامی شد. در هر حال تعاملات ایران و حزب‌الله تأثیرات بسیاری داشته است، چنانچه اتهام ایجاد یک شبکه تروریستی میان ایران و حزب‌الله توسط آمریکا و دولت‌های اروپایی و حتی توسط برخی از گروه‌های قومی داخل لبنان نیز نشان‌دهنده این مسئله است. در این میان، تأثیر انقلاب اسلامی فقط اسلامیزه کردن یا تقویت گروه‌های شیعی در لبنان نبوده است، بلکه تأثیر مهم‌تر آن

1. Roschanack Shaery – Tisenlohr, "Iranian – Lebanese Shiite Relations, www.mideasti.org

۲. محقق مؤسسه بین‌الملل مطالعات اسلام در جهان مدرن.



اسلامیزه کردن گفتمان شهروندی در میان شیعیان لبنان و سیاسی کردن ساخت مؤسسات اجتماعی بوده است. این مؤسسات از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و سبب بهبود زندگی اجتماعی شیعیان شده است. با توجه به این مسئله می‌توان تغییر سیاست خارجی ایران در خلال ۳۰ سال گذشته را حمایت‌های ایدئولوژیک و مالی ایران از حزب‌الله دانست که نقش مهم در سیاست حامی‌گرایانه ایران از فلسطین داشته است. در هر حال در شرایط کنونی ایران و حزب‌الله برای جلوگیری از اتهام وابستگی حزب‌الله به ایران و تمایل آن به ایجاد حکومت اسلامی در لبنان روابط خود را مبتنی بر انسجام و اتحاد استراتژیک می‌نامند.



عنوان: اتحاد ایرانی - سوری^۱

نویسنده: ریموند هینبوش^۲

اتحاد سوریه و ایران یک زوج عجیب را تشکیل داده‌اند، زیرا یک سوی این اتحاد یک دولت فارس اسلامی و دینی قرار دارد و در سوی دیگر یک دولت عرب ناسیونالیست سکولار واقع شده است که این مسئله نشان‌دهنده نوعی توافق موقت و نامأنوس است. از سوی دیگر ممکن است اتحاد دو کشور را فارغ از عدم تجانس داخلی رژیم‌های آنان، به سبب فایده اتحاد در مقابل تهدیدات ژئوپلیتیک (عراق و اسرائیل) دانست، اما این مسئله نیز صحیح نیست، زیرا تصور یک دولت از دشمن و تهدید، بیشتر به واسطه هویت یک دولت شکل می‌گیرد. پیشینه تعاملات دو کشور نشان می‌دهد که ایران در دوره شاه در صف آمریکا و اسرائیل قرار داشته و رویکرد سوریه به ایران بدبینانه بوده است، با وجود این با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی ایران، رهبران و نخبگان ایرانی به بازتعریف دوستان و دشمنان خود پرداختند و در این میان سوریه (که برخی از رهبران ایرانی در دوره شاه در آن در تبعید بودند) با رویکرد ضد امپریالیستی آن به عنوان متحد طبیعی شناخته شد. از سوی دیگر ایران نیاز به خروج از انزوای منطقه‌ای در میان دولت‌های عربی داشت. در واقع انقلاب ایران با ماهیت شیعی آن در منطقه در انزوا قرار گرفته بود و در این میان اتحاد با سوریه نقش مهمی برای خروج از این انزوا بازی می‌کرد. در این میان

1. Raymond Hinnebusch, "The Syrian – Iranian Alliance", www.mideasti.org

۲. ریموند هینبوش دارای دکترای روابط بین‌الملل و سیاست خاورمیانه و مدیر مرکز مطالعات سوریه در دانشگاه سنت اندرو.



سوریه نیز که با صلح کمپ دیوید به تنهایی در مقابل اسرائیل و آمریکا و عراق قرار گرفته بود، ایران را برای ایجاد توازن در منازعات اعراب - اسرائیل برگزید. در خلال دهه ۱۹۸۰ تهدیدات مشترک امنیتی سبب نزدیکی بیشتر دو کشور شد. اولین تهدید، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود که با حمایت سوریه از ایران همراه شد، زیرا سوریه به سبب تهدیدات رژیم عراق برای این کشور و رقابت دو رژیم بعث سوریه و عراق، نگران پیروزی احتمالی صدام در جنگ بود. از سوی دیگر دومین تهدید، حمله اسرائیل به لبنان در ۱۹۸۲ بود. ایران برای صدور انقلاب و ارتباط با شیعیان لبنان به سوریه نیاز داشت و جنگ لبنان زمینه ایجاد حزب‌الله را به وجود آورد. از سوی دیگر سوریه نیز امکان نفوذ در لبنان را به دست می‌آورد و از احتمال حمله به سوریه نیز کاسته می‌شد. در هر حال، جنگ لبنان، اهمیت اتحاد سوریه و ایران را برای مقامات سوری آشکار ساخت. با وجود این، ماهیت موقتی بودن این ائتلاف با تمایل سوریه به تغییر ائتلاف به سوی آمریکا با حضور در ائتلاف جنگ دوم خلیج فارس و پیوستن سوریه به جبهه ائتلاف فرایند صلح با اسرائیل آشکار شد. با وجود این، اتحاد دو کشور ادامه پیدا کرد. این اتحاد منافع مختلفی را برای دو کشور به ارمغان آورده است چنانچه به ایران کمک کرده است تا از انزوای آمریکا خارج شود، سبب تقویت توان نظامی دو کشور شده و به نوعی توازن در مقابل اتحاد ترکیه - اسرائیل ایجاد کرده است. براین اساس، خروج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ پیروزی مشترکی برای دو کشور بود. از سوی دیگر در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ علی‌رغم رویکرد متفاوت دو کشور، آنان از منافع بن‌بست آمریکا در عراق بهره‌مند شدند. همچنین با گسترش فشارهای اقتصادی به سوریه (بعد از ترور حریری) و بر



ایران (به واسطه سطح فعالیت‌های هسته‌ای آن)، تعاملات اقتصادی دو کشور نیز مانند روابط امنیتی آنان افزایش یافت. از سوی دیگر پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه لبنان سبب شد که محور شیعی منطقه و تعاملات ایران و سوریه مورد توجه سایر دولت‌های عرب قرار گیرد و لذا عربستان تلاش بسیاری برای جداسازی سوریه و ایران انجام داد که ناکام ماند. به نظر می‌رسد که ریشه تعاملات ایرانی - سوری علاوه بر دشمنان مشترک و به واسطه اعتماد میان نخبگان دو کشور نسبت به حمایت در مواقع ضروری و حیاتی در دفاع از منافع دیگری است این مسئله سبب شده که این اتحاد دوام داشته و چالش مهم هژمونی آمریکا در منطقه و عامل توازن قوایی در خاورمیانه باشد.



عنوان: عامل کردی در روابط ایران و عراق^۱

نویسنده: نادر انتصار^۲

یکی از مجموعه مسائل مهم سیاسی و اقتصادی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس آن تاکنون موضوع اکراد بوده است. از سوی دیگر عامل کردی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خلال سه دهه گذشته داشته است؛ چنانچه در ابتدای پیروزی انقلاب و در خلال جنگ ایران و عراق، حمایت صدام و ارسال تجهیزات برای حزب دمکراتیک کردستان ایران به‌عنوان ابزار مؤثری برای پیشبرد جنگ علیه ایران مطرح شد. از سوی دیگر ایران نیز از کردهای اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق به‌عنوان ابزار مؤثر علیه عراق استفاده کرد. بنابراین در این مقطع نوعی استفاده ابزاری از کردها در جنگ از سوی دوطرف وجود داشت. با پایان جنگ تحمیلی و سپس جنگ دوم خلیج فارس و ایجاد منطقه پرواز ممنوع در منطقه کردستان عراق، ایران به مخالفت با عملیات آمریکا در عراق پرداخت درواقع ایران نگران استفاده آمریکا از منطقه پرواز ممنوع کردستان یا به‌کارگیری گروه‌های کردی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران و برهم زدن ثبات و امنیت منطقه کردستان در مرزهای خود بود. با وجود این، با گذشت زمان، ایران به همکاری تجاری و اقتصادی با منطقه خودمختار کردستان شمال عراق پرداخت. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی در زمینه عامل کردی در سیاست خارجی ایران

1. Nader Entessar, "The Kurdish Factor in Iran - Iraq Relations", www.mideasti.org

۲. استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی.



به وجود آمد. ایران از یکسو به گسترش تعاملات اقتصادی با منطقه کردستان پرداخته، اما همواره نگران نفوذ رژیم صهیونیستی در این منطقه بوده است. این مسئله به ویژه در قبال حمایت رژیم صهیونیستی از گروه پژاک و عملیات‌های تخریبی آن در مرزهای ایران به مقامات منطقه کردستان عراق گوشزد شده است. از سوی دیگر دستگیری و زندانی دیپلمات‌های ایرانی توسط نیروهای آمریکایی در منطقه کردستان نیز بر روابط ایران و کردستان تأثیر گذاشت و به چالشی در تعاملات آنان تبدیل شد که اگرچه با پیگیری مقامات کردی همراه شد اما این مسئله با اقدامات ایران علیه پژاک و حتی بسته شدن مرز ایران و کردستان مواجه شد. این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ۵۰ درصد از کالاهای وارداتی به منطقه کردستان عراق از طریق مرزهای ایران صورت می‌گیرد. در مجموع سیاست خارجی ایران در قبال کردستان تابعی از سیاست آن در قبال عراق است. بنابراین سیاست کردی ایران متأثر از توسعه داخلی عراق است و تا زمانی که مرزهای سرزمینی عراق توسط کردها مورد چالش قرار نگرفته و کردها اقدامی علیه انسجام داخلی عراق انجام نمی‌دهند، روابط ایران و کردستان کماکان ادامه می‌یابد.



عنوان: زنان و ۳۰ سال جمهوری اسلامی^۱
نویسنده: نیکی کدی^۲

جهت تحلیل اوضاع زنان پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران می‌باید بر دو فرهنگ متفاوت در جامعه شهری قرن بیستم ایران تأکید کرد: اول فرهنگ بازار و دیگری فرهنگ نخبگان تحصیل‌کرده. همچنین نباید نقش تحولات داخلی ایران را نیز نادیده گرفت. حامیان حقوق زنان عمدتاً از میان نخبگان تحصیل‌کرده بوده و این مسئله همانند سایر کشورها در ایران نیز دیده می‌شود. در ایران مدرنیزاسیون حقوق زنان و فعالیت‌های حکومتی از زمان حکومت پهلوی‌ها و در سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ شکل گرفت. این امر شامل اجازه تحصیل و ورود به صحنه‌های اجتماع و عملکرد تخصصی زنان و ایجاد سازمان‌های غیرحکومتی برای پیشبرد حقوق زنان می‌شد. این مسئله با مقاومت جریان سنتی و مبتنی بر مذهب در ایران مواجه شد و جریان‌های مخالف به سرعت شکل گرفت. البته سکولارها و چپ‌ها به حمایت از حکومت برخاستند و تصور نمی‌کردند رهبران مذهبی بتوانند راه به جایی ببرند، ولی پیروزی انقلاب اسلامی سبب پیروزی جریان مذهبی و ایجاد قواعد مذهبی در مورد زنان و اجرای آنان شد. پس از پیروزی انقلاب بسیاری از زنان و گروه‌های غربی دولت انقلابی ایران را به دلیل قوانین و اقدامات مربوط به زنان مورد انتقاد قرار دادند، در حالی که آنها نمی‌دانستند بسیاری از زنان ایران از غرب‌گرایی و غرب‌زدگی حمایت نمی‌کردند هرچند بسیاری از زنان در حال حاضر تحصیل‌کرده و آزادی بیشتری می‌خواهند. در طول انقلاب

1. Nikki Keddie, Women and 30 Years of the Islamic Republic, www.mideasti.org

۲. استاد دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (UCLA) آمریکا.



زنان در جنگ ایران و عراق و بسیاری از مشاغل اجتماعی وارد شده و در دانشگاه‌ها به تحصیل پرداختند و مسئله حقوق زنان را دنبال کردند و به‌نوعی فمینیسم اسلامی در ایران شکل گرفت.

در ایران همواره مقاومت‌هایی در برابر حقوق زنان وجود داشته است، ولی عمل‌گرایی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ تا حدودی آزادی‌های زنان را افزایش داد. با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری و گرایش‌های نومحافظه‌کاری دولت وی برخی از مسائل مربوط به زنان به رویکرد سنتی بازگشت و فعالیت‌های زنان نیز برای کسب حقوق خود شدت گرفت. برای مثال کمپین یک میلیون امضا جهت برابری حقوق زن و مرد شکل گرفت. بحران اقتصادی ایران و فشارهای غرب سبب تقویت مقاومت‌ها و کاهش حمایت مردمی از احمدی‌نژاد شده و سبب می‌شود زنان و مردان از هر طبقه اجتماعی، گرد نامزد دیگری در انتخابات ریاست جمهوری جمع شوند که این فشارها را کاهش دهد.



عنوان: سیاست شیعه در ایران پس از ۳۰ سال انقلاب^۱
نویسنده: بابک رحیمی^۲

انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با رویکرد انقلابی و شیعی روحانیون و فعالان سیاسی ایرانی برای ایجاد یک نظم سیاسی جدید اسلامی به‌وجود آمد. این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران که در چارچوب نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) حاصل شد، رهیافت جدیدی در برابر سنت عدم مداخله دین در سیاست در نزد علمای شیعه بود. در این میان اولین مسئله در نظام جدید، ایجاد یک حکومت بر پایه ایده‌های اسلامی و دمکراتیک بود. در این زمینه در دوره‌های مختلف در تاریخ جمهوری اسلامی ایران می‌توان نقش مفاهیم و اندیشه‌های شیعی را مشاهده کرد. در اولین دوره یعنی ۹ سال ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و اندیشه‌های صدور انقلاب، زمینه‌های گسترش مفاهیم ارزشی را به‌وجود آورد. در این زمینه شهادت یکی از مهم‌ترین نمادهای ارزشی بود که مورد تأکید قرار گرفت. با پایان جنگ، نگرش‌های تکنوکرات و پراگماتیک مطرح شد که درصدد تنش‌زدایی و سیاست خارجی واقع‌گرایانه‌ای و اندیشه‌های عمل‌گرایانه شیعه بر آمدند پس از آن نگرش‌های اصلاح‌طلبانه سعی در ارائه رویکرد دمکراتیک جدید داشتند. با وجود این، رویکرد انقلابی شیعی در دولت کنونی ایران نشانگر نهادینه شدن فرهنگ انقلابی پس از ۳۰ سال انقلاب و پس از رحلت امام خمینی (ره) است. از سوی دیگر با تحولاتی که پس از حمله آمریکا به عراق در جهان تشیع به‌وجود آمده است و همچنین رویکرد نظارتی آیت‌الله

1. Babak Rahimi, "Shia Politics in Iran after 30 Years of Revolution", www.mideasti.org

۲. پژوهشگر بخش مطالعات اسلامی و ایرانی دانشگاه کالیفرنیا.



سیستانی و تأیید سیاست دمکراتیک در عراق، به نظر می‌رسد که همچنان نوعی تعامل میان نگرش‌های مختلف شیعی در ایران وجود دارد. این تعامل و رقابت میان تفاسیر مختلف از اندیشه‌های شیعی است که آینده ایران را رقم خواهد زد، لذا با گذشت ۳۰ سال از انقلاب، هویت شیعی با نگرش‌های مختلف در حال تعامل و رقابت در ایران هستند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۵۴۹

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۳) ویژه‌نامه سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی
«رویکرد غرب به ایران»

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۲/۴